

جایگاه اهل بیت علیهم السلام در آیه مباحله در منابع اهل سنت

حجت الاسلام والمسلمین حسینعلی یوسفزاده*

مقدمه

آیه مباحله و شأن نزول آن به خوبی گویای عظمت اهل بیت علیهم السلام است و نشان می‌دهد که خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صادق و مستجاب الدعوه‌اند. تقریباً همه دانشمندان شیعه و سنی به نزول این آیه شریفه درباره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و حسنین علیهم السلام تصریح کرده و بر پایه آن، به اثبات فضیلت این بزرگواران و به‌ویژه حضرت علی علیه السلام همت گمارده‌اند.

مفهوم مباحله

«مباحله» را مصدر باب مفاعله، از ریشه «بُهَل» یا «بُهَل» دانسته و برای آن، دو معنی گفته‌اند؛ یکی به معنای رها شده از بند است که بر مبنای آن به کسی که عبدش را از قید بندگی رها می‌کند، می‌گویند «بَاهِلَ عَبْدَهُ» و چنانچه والی و حاکم، رعیت را به حال خود رها کند، می‌گویند «أَبْهَلَ الْوَالِي الرَّعِيَّةَ». معنای دیگر این ریشه «لعن» است و بر این مبنای، «عَلَيْهِ بُهْلَةُ اللَّهِ» یعنی «لعنت خدا بر او» و «بَاهِلَهُ» از باب مفاعله، یعنی دو طرف یکدیگر را لعن کردند.^۱

راغب اصفهانی اصل در معنای «بُهَل» را رهایی و یا رها شدن دانسته و می‌گوید: «"بُهَل" رها بودن چیزی بدون نگهبان و سرپرست است».^۲ برخی این معنا را بسیار

* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. احمد فیومی؛ مصباح المنیر؛ ص ۶۴. ابن اثیر؛ النهاية؛ ج ۱، ص ۱۶۷. خلیل فراهیدی؛ العين؛ ج ۴، ص ۵۵.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ ص ۱۴۹.

دقیق و علمی دانسته و بر همین اساس، «مباهله» را به نفرین طرفین برای خارج شدن طرف مقابل از سرپرستی خداوند تعریف کرده‌اند که مسلماً بالاترین نفرینی است که می‌توان در حق کسی روا داشت؛ زیرا وجود مخلوقات، وابسته به افاضه و عنایت خدای سبحان است و تداوم موجودیت آن‌ها، محتاج توجه لحظه‌به‌لحظه اوست و بیرون رفتن از سرپرستی خداوند، به معنای نیستی محض است.^۱

زمینه شکل‌گیری مباهله

پس از فتح مکه به دست مسلمانان و فراگیر شدن اسلام در حجاز، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرستادگانی را به سوی ملل مختلف از جمله ایرانیان و رومیان و مسیحیان نجران،^۲ گسیل داشت تا آنان را به یکتاپرستی فراخواند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در نامه خود به ابوحارثه اسقف نجران، مسیحیان را میان پذیرش اسلام یا پرداخت جزیه مخیر دانست و در صورت نپذیرفتن هیچ‌یک از این دو راه، به جنگ وعده داد. متن نامه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اسقف نجران چنین است:

بِسْمِ إِلَهِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ. مَنْ مُحَمَّدٍ رَسُولَ اللَّهِ إِلَيَّ أُسْقِفُ نَجْرَانَ وَأَهْلَ نَجْرَانَ إِنْ أَسَلْتُمْ فَإِنِّي أَحْمَدُ إِلَيْكُمْ اللَّهُ إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أَمَا بَعْدُ فَإِنِّي أَدْعُوكُمْ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ مِنْ عِبَادَةِ الْعِبَادِ وَأَدْعُوكُمْ إِلَى وَلايَةِ اللَّهِ مِنْ وَلايَةِ الْعِبَادِ فَإِنِ ابْتَيْتُمْ فَالْجِزْيَةَ فَإِنِ ابْتَيْتُمْ فَقَدْ أَذَنْتُكُمْ بِحَرْبٍ وَالسَّلَامِ: به نام خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب. از محمد پیامبر خدا به اسقف نجران و اهل نجران. اگر اسلام بیاورید، پس من ستایش می‌کنم با شما، خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب را. اما بعد! پس همانا شما را از پرستش بندگان به پرستش خدا و از سرپرستی بندگان به سرپرستی خدا دعوت می‌کنم؛ اگر نپذیرفتید، پس جزیه دهید و اگر باز نپذیرفتید، شما را به جنگ فرامی‌خوانم.

اسقف نجران محتوای نامه را به اطلاع نجرانیان رساند و قرار شد در جلسه‌ای با حضور بزرگان خود، به شور نشسته و درباره جنگ یا سازش با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱. ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۲، ص ۶۷۸. علی میلانی و اصغر غلامی؛ امامت پژوهی؛ دلالت آیه مباهله بر خلافت بلافصل امیرالمؤمنین؛ ص ۴۳.

۲. نجران با هفتاد دهکده تابع خود، در منطقه مرزی حجاز و یمن واقع شده است و در دوران طلوع اسلام، تنها بخش مسیحی‌نشین حجاز بود که ساکنانش بنا به عللی از بت‌پرستی دست کشیده و به آیین مسیحیت گرویده بودند. برخی مفسران آنان را باقی‌مانده اصحاب اخدود دانسته‌اند. رک: احمد بن علی طبرسی؛ مجمع البیان؛ ج ۱۰، ص ۷۰۷.

تصمیم بگیرند. در این جلسه، برخی مصرّانه خواهان جنگ بودند و برخی مانند «حارثه بن اثال» با توجه به بشارت حضرت عیسی علیه السلام مبنی بر بعثت پیامبر خاتم - در فاران و مقام ابراهیم علیه السلام - به حقانیت آن حضرت شهادت دادند. دلایل محکم و براهین روشن حارثه موجب اضطراب منکران نبوت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله شد و آن‌ها را از ورود به جنگ با آن حضرت بازداشت، اما با پافشاری تعدادی از آنان، مقرر شد یک گروه شصت نفره از فرهیختگان و بزرگان نجران به مدینه بروند تا درستی یا نادرستی ادعای پیامبر اسلام را بررسی کرده و راه‌حلی برای این مشکل بیابند.^۱

گفته شده که آن‌ها خود را با جامه‌ها و ردهای ابریشمی و صلیب‌های مرصع، آراسته کرده و با هلهله فراوان وارد مدینه - یا بنا به نقلی مسجدالنبی - شدند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آنکه از این کار تفاخرآمیز ناخرسند شد، اما اصحاب را به خویشنداری دعوت کرد و خود، تا سه روز آنان را به حضور نپذیرفت. هیئت نجران در این سه روز به سمت مشرق عبادت کردند و از اینکه پیامبر آنان را نمی‌پذیرفت، متعجب بودند. امام علی علیه السلام دلیل این امر را به آن‌ها فرمود و پیشنهاد کرد که لباس‌هایی ساده بپوشند. بدین ترتیب، رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را به حضور پذیرفت^۲ و با آن‌ها درباره مسائلی همچون ولادت و الوهیت عیسی علیه السلام به گفتگو پرداخت.

چگونگی مناظره مسیحیان با پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ابتدا با قرائت آیاتی از قرآن کریم، آنان را به اسلام و پرستش خدای یگانه دعوت کرد. اسقف اعظم نجران در پاسخ آن حضرت اظهار کرد که ما پیش از این نیز به خدا ایمان داشته و به احکام او عمل می‌کردیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله با یادآوری خطاهای اعتقادی و رفتاری مسیحیان، از قبیل پرستش صلیب، خوردن گوشت خوک، فرزند خدا پنداشتن مسیح علیه السلام و اعتقاد به الوهیت او، آن‌ها را خطاکار دانست. مسیحیان استدلال کردند که حضرت عیسی علیه السلام را باید فرزند خدا دانست؛ زیرا پدری از نوع بشر نداشته است و بدین ترتیب به‌مانند پدرش، یعنی خداوند، مقام الوهیت

۱. ابن کثیر؛ تفسیر القرآن العظیم؛ ج ۲، ص ۴۲. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۲۱، ص ۲۸۸-۳۱۸.
 ۲. علی بن ابراهیم حلبی؛ سیره الحلبیه؛ ج ۳، ص ۲۳۹. نیز نک: جعفر سبحانی؛ فروغ ابدیت؛ ج ۲، ص

هم دارد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با استناد به قرآن کریم، ولادت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام را همچون ولادت آدم عَلَيْهِ السَّلَام دانست که بدون داشتن پدر و از خاک آفریده شد و همان طور که نمی توان آدم را فرزند خدا خواند، درباره عیسی نیز نباید چنین پنداشت؛ «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ* الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ»^۱ مَثَلِ عِيسَى نَزْدَ خَدَا، هَمْچُون مَثَلِ آدَمِ اسْت [که] او را از خاک آفرید. سپس بدو گفت: باش! پس وجود یافت. حق از سوی پروردگار تو است؛ پس، از تردیدکنندگان نباش». مسیحیان که از سویی در برابر برهان قاطع پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دفاعی نداشتند و از سوی دیگر نمی خواستند نبوت آن حضرت را بپذیرند، با لجاجت بر عقیده خود اصرار کردند^۲ تا آنکه جبرئیل بر پیامبر نازل شد و فرمان مباحله را آورد؛

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ^۳ پس کسانی که درباره عیسی - بعد از آنکه آگاهی برای تو حاصل شد - با تو محاجه کنند [و بر الوهیت او اصرار ورزند]، به آنان بگو: بیایید ما پسرانمان را فراخوانیم و شما پسرانمان را و ما زنانمان را و شما زنانمان را و ما خودمان را و شما خودتان را؛ آنگاه دعا کنیم و لعنت خدا را بر آن گروهی که در دعوت خود دروغگویند، قرار دهیم.

ماجرای مباحله

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمان مباحله را به نجریان رسانید و محلی میان دو درخت را برای این کار تعیین کرد. روز بعد دستور داد عبای سیاه نازکی را روی شاخه های درخت بگسترانند و با بالا آمدن آفتاب، در حالی که دست علی عَلَيْهِ السَّلَام را گرفته بود و حسن عَلَيْهِ السَّلَام و حسین عَلَيْهِ السَّلَام در پیش روی آنان و فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام در پشت سر آنان حرکت می کردند، به سوی محل مباحله^۴ حرکت کرد و همگی زیر عبایی که بر شاخه های درخت گسترده شده بود قرار گرفتند. سپس دست به دعا برداشت و عرض کرد: «اللَّهُمَّ! هُوَ لَاءِ

۱. آل عمران: ۵۹ و ۶۰.

۲. احمد بن علی طبرسی؛ مجمع البیان؛ ج ۲، ص ۳۰۹. جلال الدین سیوطی؛ الدر المنثور؛ ج ۲، ص ۳۸.

۳. آل عمران: ۶۱.

۴. در محل مباحله مسجدی ساخته شد که به مسجد مباحله معروف بود. نام این مسجد که تقریباً در ۵۰۰ متری مسجد النبی واقع شده، در سالهای اخیر به مسجد الاجابه تغییر یافته است.

أَهْلِي: خداوندا! اینان اهل بیت من هستند». آنگاه پیکی را به سوی نجرانیان فرستاد و آنان را به مباهله فراخواند. نجرانیان وقتی دیدند پیامبر اسلام ﷺ عزیزترین کسان خود را برای مباهله آورده، به هراس افتادند و از مباهله کنار کشیدند و پرداخت جزیه را به گردن گرفتند. پس از انصراف نجرانیان از مباهله، پیامبر اکرم ﷺ علی عليه السلام را برای تعیین مقدار جزیه به میان آنان فرستاد. آن حضرت در ازای دریافت هزار حُلّه و هزار دینار در هر سال با آنان مصالحه و شرط کرد بخشی از آن را در ماه محرم و بخش دیگر را در ماه رجب پردازند و سپس آنان را به محضر رسول خدا برد. پیامبر ﷺ با دیدن آنها فرمود: «بدانید که اگر با من و کسانی که زیر عبا بودند مباهله می کردید، خداوند این وادی را از آتش، شعله ور می ساخت و در کمتر از چشم بر هم زدنی، آتش را به سوی کسانی که پشت سر شما هستند (فرزندان تان و کسانی که در نجران بودند) روانه می کرد و همه شما را در آتشی سوزان، هلاک می کرد».^۱

بررسی اجمالی سند و محتوای روایت

اصل ماجرای مباهله به دلیل آمدن در قرآن، مورد اتفاق دانشمندان شیعه و سنی است. علمای شیعه با استناد به روایات اهل بیت عليهم السلام اتفاق نظر دارند که تنها پنج نفر (پیامبر اکرم، علی، فاطمه، حسن و حسین) برای مباهله با نجرانیان، زیر عبا معروف^۲ قرار گرفتند و بنابراین، در آیه شریفه مراد از «أَبْنَاؤُنَا» حسنین عليهما السلام مراد از

۱. علی بن احمد واحدی نیشابوری؛ اسباب النزول؛ ص ۹۰. محمود بن عمر زمخشری؛ الکشاف؛ ج ۱، ص ۱۶۹.
۲. نک: علی بن محمد ابن بابویه (صدوق)؛ عیون اخبار الرضا؛ ج ۱، ص ۲۳۱. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۴۲۹. احمد بن علی طبرسی؛ الاحتجاج؛ ج ۲، ص ۳۹۲.
۳. حدیث کساء حدیثی مشهور است که دانشمندان شیعه و سنی نقل های مختلفی از آن بیان کرده اند؛ از جمله حدیثی است که در ارتباط با داستان مباهله آمده است (نک: شمس الدین ذهبی؛ تاریخ اسلام؛ ج ۳، ص ۶۲۷). البته در معروف ترین آن ها آمده است که ماجرای کساء در خانه ام المؤمنین، «ام سلمه» اتفاق افتاده است. علامه سیدمرتضی عسکری نقل های گوناگون آن را از منابع اهل سنت آورده است (نک: سیدمرتضی عسکری؛ «احادیث و مصادر حدیث الكساء»؛ نشریه الهدی؛ س ۵، ش ۴، ص ۱۱۸-۱۴۱). این حدیث بر اساس نقل حاکم نیشابوری چنین است: لما نظر رسول الله إلى الرحمة هابطة، قال: ادعوا لي ادعوا لي. فقالت صفيّة: من يا رسول الله؟ قال: أهل بيتي عليا وفاطمة والحسن والحسين. فجئني بهم فألقى عليهم النبي كساء ثم رفع يديه ثم قال: اللهم هؤلاء آلي، فصل على محمد وعلى آل محمد. وأنزل الله عز وجل: إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا: رسول خدا عليه السلام چون دید باران

«نِسَاءَنَا» فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ و مراد از «أَنْفُسَنَا» پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی عَلَيْهِمَا السَّلَامُ هستند.^۱ در میان اهل سنت نیز بسیاری از مورخان^۲ و مفسران^۳ به حضور همین افراد در مباحثه اذعان کرده‌اند^۴ و برخی حتی حدیث را متواتر و مورد اتفاق سیره‌نویسان و تاریخ‌نگاران^۵ دانسته و معترف‌اند که اخبار صحیح و روایات غیر قابل انکاری بر این واقعیت دلالت دارند که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای مباحثه با نصاری نجران، کسی جز علی، فاطمه، حسن و حسین را همراه خود نبرده است.^۶ از همین روست که اهل حدیث، این روایات را در باب «فضایل» پنج‌تن اصحاب کساء (پنج‌تن آل‌عبا) ذکر می‌کنند.

می‌بارد، فرمود: فرا بخوانید، فرا بخوانید. صفیه عرضه داشت: چه کسانی را یا رسول‌الله؟ آن حضرت فرمود: اهل بیت من، علی، فاطمه، حسن و حسین را فراخوانید. چون آنان آمدند، آن حضرت عبای مخصوص خیبری را بر آنان پوشانید. آنگاه عرض کرد: بارالها! اینان، اهل بیت من هستند. در این هنگام آیه ۳۳ سوره احزاب درباره آنان نازل شد؛ همانا خداوند اراده کرده تا پلیدی را از شما اهل بیت بزدايد.

۱. فرات کوفی؛ تفسیر فرات کوفی؛ ص ۸۶-۸۹. محمد بن مسعود عیاشی؛ تفسیر عیاشی؛ ج ۱، ص ۱۷۷. محمد بن جریر طبری آملی کبیر؛ المستترشد؛ ص ۵۸۱. علی بن محمد ابن بابویه (صدوق)؛ الخصال؛ ج ۲، ص ۵۷۶.

۲. ابن اثیر؛ اسد الغابه؛ ج ۳، ص ۶۰۲. ابن اثیر (همو)؛ الکامل؛ ج ۷، ص ۳۵۹. شمس‌الدین ذهبی؛ تاریخ اسلام؛ ج ۲، ص ۶۹۵. احمد بن علی مقریزی؛ إمتاع الاسماع؛ ج ۲، ص ۵۹. علی بن ابراهیم حلبی، پیشین، ج ۳، ص ۲۹۹. ابن کثیر؛ البدایه و النهایه؛ ج ۷، ص ۳۳۹.

البته گویا ابن کثیر در جلد یکم (ص ۲۶۷) البدایه و النهایه - به عمد یا به سهو - نام علی عَلَيْهِمَا السَّلَامُ را از میان کسانی که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را برای مباحثه همراهی کرده‌اند، حذف کرده، اما در جلد هفتم (ص ۳۳۹) در باب فضایل علی عَلَيْهِمَا السَّلَامُ به‌ناچار روایت سعد بن ابی وقاص را آورده که گفته است این آیه در حق علی عَلَيْهِمَا السَّلَامُ نازل شده است.

۳. کمتر کسی از مفسران اهل سنت را می‌توان یافت که در تفسیر آیه از علی و فاطمه و دو فرزندشان یاد نکرده باشد. برای نمونه نک: محمد بن جریر طبری؛ جامع البیان؛ ج ۳، ص ۲۱۲-۲۱۳. ابن کثیر؛ تفسیر ابن کثیر؛ ج ۲، ص ۴۷. محمد ابن جزیری الغرناطی؛ التسهیل لعلوم التنزیل؛ ج ۱، ص ۱۵۵. عبدالله بن عمر بیضاوی؛ انوار التنزیل؛ ج ۲، ص ۲۰. ابن کثیر؛ تفسیر القرآن العظیم؛ ج ۲، ص ۶۶۷-۶۶۸. نصر بن محمد سمرقندی؛ البحر العلوم؛ ج ۱، ص ۲۲۰.

۴. آیت‌الله میلانی در کتاب "تشییذ المراجعات" نام بیست و چهار نفر از صحابه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و پنجاه و دو نفر از دانشمندان سنی که این روایت را نقل کرده‌اند، به ترتیب تاریخ از سال ۲۲۷ تا سال ۱۲۷۰ هجری آورده است. (نک: سیدعلی حسینی میلانی؛ تشییذ المراجعات؛ ج ۱، ص ۳۴۴-۳۴۸).

۵. محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری؛ معرف علوم الحدیث؛ ص ۵۰. ابوبکر جصاص؛ احکام القرآن؛ ج ۲، ص ۲۹۵.

۶. علی بن محمد جرجانی؛ شرح المواقف؛ ج ۸، ص ۳۶۷.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، علی بن محمد؛ *أسد الغابة في معرفة الصحابة*؛ بيروت: دارالكتب العربي، [بی تا].
۲. _____؛ *الکامل فی التاریخ*؛ بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ش.
۳. _____؛ *النهایه فی غریب الحدیث و الأثر*؛ به کوشش طاهر احمد زاوی و محمود محمد طناجی؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی؛ *الخصال*؛ به کوشش غفاری؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق.
۵. ابن بابویه، علی بن محمد؛ *عیون اخبار الرضا*؛ بیروت: اعلمی، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن شعبه الحرانی، حسن؛ *تحف العقول*؛ به کوشش غفاری؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ *البدایه و النهایه*؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۸. _____؛ *تفسیر القرآن العظیم*؛ لبنان: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*؛ بیروت: دارالفکر، [بی تا].
۱۰. جرجانی، علی بن محمد؛ *شرح المواقف*؛ مصر: مطبعة السعادة، ۱۳۲۵ق.
۱۱. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله؛ *معرفة علوم الحدیث*؛ به کوشش سید معظم حسین؛ بیروت: دارالأفاق الحدیث، ۱۴۰۰ق.
۱۲. حسینی میلانی، سید علی؛ *تشید المراجعات و تغنید مکابرات*؛ قم: الحقائق، ۱۴۲۷ق.
۱۳. حلبی، علی بن ابراهیم؛ *السیره الحلبيه*؛ به کوشش محمد الخلیلی؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
۱۴. ذهبی، شمس الدین؛ *تاریخ اسلام*؛ به کوشش عمر عبدالسلام؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۰ق.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *مفردات ألفاظ القرآن*؛ محقق: داوودی، صفوان عدنان؛ چاپ اول بیروت: دار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۶. زمخشری، محمود بن عمر؛ *الکشاف عن حقائق التنزیل*؛ به کوشش عبدالرزاق مهدی؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].

۱۷. سبحانی، جعفر؛ فروغ ابدیت؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ش.
۱۸. سمرقندی، نصر بن محمد؛ البحر العلوم؛ به کوشش علی معوض و دیگران؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق.
۱۹. سیوطی، جلال‌الدین؛ الدر المنثور؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۶۵ق.
۲۰. طبرسی، احمد بن علی؛ الإحتجاج؛ تحقیق سید محمدباقر خراسان؛ [بی‌جا]: دارالنعمان، ۱۳۸۶ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
۲۲. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۲۳. طبری آملی کبیر، محمد بن جریر؛ المسترشد؛ به کوشش محمودی؛ تهران: کوشانپور، ۱۴۱۵ق.
۲۴. عسکری، سید مرتضی؛ «احادیث و مصادر حدیث النساء»؛ نشریه الهدی، سال پنجم، ش ۴، [بی‌تا].
۲۵. العیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیاشی؛ به کوشش رسولی محلاتی؛ تهران: المكتبة العلمیة الاسلامیة، ۱۳۸۰ش.
۲۶. الغرناطی، محمد ابن جزی؛ التسهیل لعلوم التنزیل؛ به کوشش خالدی؛ بیروت: دارالارقم، ۱۴۱۶ق.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ قم: هجرت، ۱۴۱۰ق.
۲۸. فیومی، احمد بن محمد؛ المصباح المنیر؛ بیروت: دارالفکر، [بی‌تا].
۲۹. کوفی، فرات بن ابراهیم؛ تفسیر فرات الکوفی؛ به کوشش محمد کاظم؛ تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۷۴ش.
۳۰. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۱. المقریزی، احمد بن علی؛ إمتاع الاسماع؛ به کوشش محمد عبدالحمید؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ش.
۳۳. میلانی، علی و غلامی، اصغر؛ امامت پژوهی: «دلالت آیه مباهله بر خلافت بلافصل امیرالمؤمنین»؛ [بی‌جا] [بی‌نا] [بی‌تا].
۳۴. واحدی نیشابوری، علی بن احمد؛ اسباب النزول؛ قاهره: الحلبي و شرکاه، ۱۳۸۸ق.